

<https://www.aftabekherad.ir>

Hegemony, ISIS, and Türkiye's Geopolitical Aspirations

Mohammadreza Abdollahpour

PhD in Political Science, Tehran Science and Research Branch

Received: 2017/02/22

Accepted: 2017/03/12

Abstract

Today, due to the security syndrome, Turkey is seeking to deepen and expand its hegemony in the Middle East, where Shiite ideology and the geopolitical expansion of the Kurds are the biggest obstacles to its hegemonic aspirations. In the anarchic atmosphere of the Middle East, Turkey is seeking to implement its desires by using the agency of extremist Islamist groups. ISIS, as a Salafi and extremist group that targets Shiites, Kurds, and some Muslims, is de facto led by the Turks and is in a way in the orbit of the Turks' geopolitical agency. On the one hand, Turkey views the Kurds as a greater enemy than ISIS, because they consider the Kurds to be a serious threat to Turkey's territorial integrity. In other words, the Kurdistan Workers' Party is Turkey's strategic enemy and ISIS is its tactical enemy. Today, regardless of the macro narratives and structuralist perspective, the dominant paradigms in sociology, dialectics and the duality of structure/agent, micro/macro and time/space, are the dominant patterns of science that seem to be included in the regional and geopolitical program of the Turks for successful activism in the Middle East. This research, using an analytical-descriptive method, seeks to show the dual game of the Turks with ISIS in line with their hegemonic interests.

Keywords: Turkey, ISIS, geopolitical agency, Kurdistan Workers' Party of Türkiye

هژمونی، داعش و امیال ژئوپلیتیکی ترکیه

محمد رضا عبدالله پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۴

چکیده

امروزه کشور ترکیه به علت سندروم امنیتی، در صدد تعمیق و بسط هژمونی خود در خاورمیانه‌ای می‌باشد که ایدئولوژی شیعی و بسط ژئوپلیتیکی کردها، بزرگ‌ترین مانع بر سر مطامع هژمونیک آن می‌باشند. در فضای آنارشیک خاورمیانه، ترکیه با استفاده از کارگزاری گروه‌های اسلام‌گرای تندرو در صدد عملیاتی نمودن امیال خود می‌باشد. داعش به عنوان یک گروه سلفی و تندرو که شیعیان، کردها و بخشی از مسلمانان را مورد آماج خود قرار داده، به صورت دو فاکتو توسط ترک‌ها هدایت و به نوعی در مدار کارگزاری ژئوپلیتیکی ترک‌ها قرار دارد. از سویی نگاه ترکیه به کردها به عنوان دشمن بزرگ‌تر از داعش مطرح بوده، چرا که کردها را تهدیدی جدی برای انسجام سرزمینی ترکیه می‌دانند. به عبارتی، حزب کارگران کردستان، دشمن استراتژیک و داعش دشمن تاکتیکی، ترکیه می‌باشد. امروز، فارغ از کلان‌روایت‌ها و نگاه ساختارگرایانه، پارادایم‌های غالب در جامعه‌شناسی، دیالکتیک و دوگانه ساختار/ کارگزار، خرد/ کلان و زمان/ فضا، الگوهای غالب علم می‌باشند که به نظر می‌رسد در برنامه منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی ترک‌ها جهت کنشگری موفق در خاورمیانه قرار گرفته‌اند. این تحقیق با روشی تحلیلی — توصیفی در پی نشان دادن بازی دوگانه ترک‌ها با داعش در راستای مطامع هژمونیک خود می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، داعش، کارگزاری ژئوپلیتیک، حزب کارگران کردستان ترکیه

^۱ دکتری تخصصی علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران - r.a.poor312@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

خاورمیانه، امروز به صحنه نبردهای ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میدان‌های منطقه‌ای و کنش حداکثری کارگزاران ژئوپلیتیک و سیستم‌های دفاکتو آنها در میدان‌های محاط بر آنها درآمده است. برآمدن گروه‌های تروریستی، موجد فرصت‌ها و تهدیدهایی برای برخی کشورهای منطقه شده که ساختارهای منطقه در پی رصد این فضا در راستای منافع خود می‌باشند. به چالش کشیده شدن توازن ساختارهای ژئوپلیتیک، دگرگونی و موج‌های جدید دموگرافیک در جغرافیای جمعیتی خاورمیانه، تقویت دو قطبی شیعه — سنی و ظهور تعارضات هویتی و صف‌گیری‌های جدید ژئوپلیتیک از پیامدهای فضای جدید می‌باشد. از سویی نوستالژی هژمونی در مزوپوتامیا^۱ برای ترکیه وجود دارد، چرا که در بازه‌های زمانی مختلف این هلال حاصلخیز، جزئی از قلمرو ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک آن بوده که ابزار این هژمونی برای ترکیه، کارگزاری داعش و تقابل با سایر ساختارها و کارگزاری‌های ژئوپلیتیک می‌باشد. به طور کلی می‌توان سه رویکرد: حزب کارگران کردستان، دشمن استراتژیک و داعش دشمن تاکتیکی ترکیه، اعمال فشار بر اروپا با ابزار داعش برای عضویت در اتحادیه اروپا و نقش ترکیه برای داعش مانند پاکستان برای القاعده را اولویت راهبردی ترک‌ها در حمایت از داعش عنوان نمود. امروز، فارغ از کلان روایت‌ها و نگاه ساختارگرایانه، پارادایم‌های غالب در جامعه‌شناسی، دیالکتیک و دوگانه ساختار/ کارگزار، خرد/ کلان و زمان/ فضا، الگوهای غالب علم می‌باشند (King, 2008: 1). این پدیده‌ها را می‌توان با تعمیم به بعد سرزمینی و هویتی، الگوی سیاست جدید ترکیه در منطقه، بسط ژئوپلیتیک، نوستالژی خاورمیانه‌ای عثمانی و بذل توجه به کارگزارهای جدید ژئوپلیتیک با استفاده از قدرت نرم و سخت دانست.

۱- پیشینه تحقیق

مقاله‌ای با عنوان "for Turkey which is the lesser Evil : ISIS or Kurds" در مارس ۲۰۱۶ منتشر شده است. در این مقاله نگاه ترکیه به کردها به عنوان دشمن بزرگ‌تر از داعش مطرح است. نویسنده، کردها را تهدیدی جدی برای انسجام سرزمینی ترکیه دانسته و معتقد است بعد از استراتژی ناکام ترکیه برای متوقف نمودن کردها به وسیله داعش، هم اینک، راهبرد جدید ترک‌ها، منطقه پرواز ممنوع برای مرزهای خود با سوریه می‌باشد. همچنین در مقاله‌ای با عنوان "Turkey vs. ISIS and PKK" توسط مرکز مطالعات بی‌پارتیزان در جولای ۲۰۱۶ چاپ شده که حاوی نکاتی بسیار مهم می‌باشد. این مقاله بر مبارزه ترکیه با دو مؤلفه داعش و حزب کارگران کردستان

^۱. مراد از کلمه مزوپوتامیا، مناطق شمالی بین‌النهرین می‌باشد.

تمرکز و با مقایسه‌ای تطبیقی تعداد حملات و دستگیری اعضای این دو سازمان را نشان می‌دهد. این مقایسه حجم عملیات نظامی و امنیتی ترکیه بر علیه حزب کارگران کردستان را به مراتب بیشتر از داعش نشان داده و با این تطبیق دشمن اصلی ترک‌ها را کردها می‌داند. در مقاله دیگری که با عنوان "ISIS and Nusra in turkey" توسط "monica marks" چاپ و رویکردهای آنکارا به روند عضوگیری در گروه‌های سلفیستی، چرایی و چگونگی پیوستن ترک‌ها به داعش و النصره و شبکه‌های ایجاد شده توسط آنها در ترکیه می‌پردازد. در گزارش دیگری با عنوان "ISIS AND Turkey file" که از طرف کمیسیون روابط خارجی کردهای سوریه در خصوص ارتباط بین داعش و ترکیه در سال ۲۰۱۶ چاپ شده است. در این گزارش تأکید می‌گردد که بدون شک روابط امنیتی و مالی گسترده‌ای بین ترک‌ها و داعش وجود دارد و تمام تلاش حزب عدالت و توسعه، مبارزه و جلوگیری کردها از هرگونه خود مختاری می‌باشد. در این گزارش صدها نفر از نیروهای امنیتی ترک مرتبط با داعش و با پاسپورت حکومت ترکیه به تصویر کشیده می‌شود. در مقاله دیگری با عنوان "Turkeys Policy Toward ISIS" در آوریل ۲۰۱۶ که در این مقاله داعش ضمن استفاده از مرزهای ترکیه و سوریه توانسته هسته‌های خود را در کلان شهرها و نقاط مرزی با سوریه فعال نماید به طور کلی در این مقاله، ترکیه نقش یک رحم جایگزین "surrogate mother" را برای داعش و مطامع خود به پیش می‌برد و همچنین در مقاله دیگری با عنوان "IS Network in Turkey" توسط "Aron Stein" در اکتبر ۲۰۱۶ در موسسه مطالعات خاورمیانه رفیق حریری چاپ و به فرآیند استخدام و عضوگیری داعش در ترکیه، مسافرت جنگجویان بین‌المللی به استانبول، شهرهای مرزی، مناطق مرزی و سرانجام به سوریه اشاره می‌نماید تکنیک‌های عضوگیری به صورت رو در رو و نفوذ به میان جمعیت محلی و خانواده‌های آنان از نکات برجسته این مقاله می‌باشد.

۲- مبانی نظری، الگوی هژمونیک

بازی دوگانه ترکیه در سال‌های اخیر با گروه‌های معارض و سلفی جهت تفوق خود در منطقه در راستای هژمونی و دکتورین امنیتی این کشور، آنتروپی ژئوپلیتیک و تضعیف میدان شیعی و خرده میدان کردها در خاورمیانه، قلیل تحلیل است. به طوری که می‌توان گفت، رقابت ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در خاورمیانه بر سر هژمونی منطقه‌ای است. هژمونی‌ای که نه با جبر، بلکه با اجماع به دست می‌آید (Rogers, 1982: 21). هژمونی منطقه‌ای در دولت‌هایی دیده می‌شود که قدرت کافی را برای تسلط بر دول تابع و شبه دولت‌ها داشته باشند (Burgess, 1989: 65). الگوی هژمونی بر این فرض استوار است که تأثیرات زینبار رقابت را می‌توان با حذف اصل رقابت مهار نمود. در این راستا، تضعیف بازیگرانی که دارای ارزش‌ها، اعتقادات یا رویکردهای سیاسی و

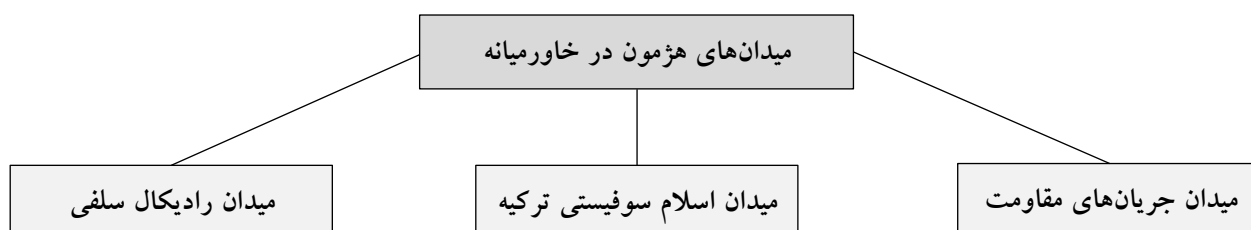
استراتژیک مخالفند، در سر لوحه کنش‌های هژمونیک قرار دارد (kraig, 2014: 44). قدرت هژمون، به دنبال ایجاد نظامی هژمونیک بوده و درصدد است که اصول اساسی، هنجارها و قواعد امنیتی را خود تعیین کند. بر این اساس هژمون از رژیم‌های خود ایجادکننده، حداکثر سود را می‌برد و برای حفظ نظم هژمونیک، کالاهای عمومی را در اختیار بازیگران داخل نظام قرار می‌دهد (Honghua, 2004: 75). هژمون دارای ابعاد مادی، فرهنگی و سیاسی است، یعنی بازیگری است که از لحاظ ظرفیت اقتصادی دارای وضعیت تفوق آمیز است. از سوی دیگر، بر توزیع قدرت نظامی و سیاسی در مجموعه امنیتی مسلط است. اولین معیار در شناسایی نظام امنیتی هژمونیک در محیط امنیتی، ساختار مادی است. در ساختارهای مادی که متشکل از دو و یا سه قطب می‌باشند، احتمال ظهور نظام هژمونیک بالا است. دومین معیار، تولید کالای عمومی از سوی حداقل یکی از بازیگران است. چنانچه در مجموعه‌ای امنیتی حداقل یکی از بازیگران اقدام به تولید کالای عمومی به ویژه در عرصه امنیتی نماید و هزینه‌ها و مسئولیت امنیتی دیگر بازیگر محیط امنیتی را بر عهده گیرد بنابراین معیار شناسایی نظام امنیتی هژمونیک در سطح منطقه‌ای فراهم شده است (Keohne, 1990: 17). سومین معیار، داشتن پیروان است، یعنی بازیگر قدرتمند «مجموعه امنیتی» باید دارای پیروانی باشد که این پیروان حاضرند او را به بازیگری هژمونیک تبدیل نمایند. چهارمین معیار یعنی برخورداری از مکتب فکری و سیاسی است. بر این اساس بازیگر هژمونیک باید دارای مکتب سیاسی و فکری منطقه‌ای و بین‌المللی باشد؛ یعنی برای حداقل یک منطقه، یک دین و یا یک نژاد، نقشه راه و ایدئولوژی داشته باشد و رفتارها و سیاست‌های آن در عرصه سیاست خارجی بر پایه این ایدئولوژی تنظیم شده باشد. برای استمرار نظام امنیتی هژمونیک نیز سه ساز و کار باید مطمع نظر باشد. سلطه تحمیلی مبتنی بر استیلا، نفوذ مبتنی بر تولید کالای عمومی یا ترکیبی از اجبار و رضایت و رهبری که از رضایت خودجوش در بخش اعظم بازیگران عضو مجموعه امنیتی از طریق رهبری فکری و سیاسی برخوردار است. این نوع نظم هژمونیک بیشتر جنبه خیرخواهانه دارد. در نهایت باید عنوان نمود که هژمون بازیگری فعال، انحصارگرا و بلامنازع در سطح مجموعه امنیتی است و در نقش قیم در میان بازیگران مجموعه امنیتی عمل می‌کند. (خانی، ۱۳۸۱: ۲۳۴). الگوی هژمونیک یک الگو برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای است که براساس غلبه منافع یک بازیگر بر سایر بازیگران و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. براساس این الگو، صف دوستان و دشمنان از یکدیگر تفکیک می‌شود. در این الگو، رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیر دوست وجود دارد و از همه امکانات و ابزارهای مختلف برای محدود کردن از جمله عدم دسترسی به فن‌آوری‌های پیشرفته و تجهیزات نظامی استراتژیک استفاده می‌شود. (واعظی، ۱۳۸۳: ۳۳). نولته در تحلیل

مقایسه‌ای قدرت‌های هژمونیک منطقه‌ای، شاخص‌های مهمی را برای این قدرت‌ها به شرح ذیل بر می‌شمارد:

- بخشی از یک منطقه که جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی است و حد و مرز مشخصی دارد،
 - برای رسیدن به یک موقعیت پیشرو در منطقه، مقاصدی را مفصل‌بندی می‌کند،
 - به صورت قابل توجهی در تحدید حدود ژئوپلیتیکی و سازه‌های منطقه تأثیرگذار است،
 - قدرت منطقه‌ای، منابع ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی را برای پروژه قدرت منطقه‌ای به نمایش می‌گذارد،
 - قدرت منطقه‌ای از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه نفوذ به هم پیوستگی دارد،
 - دولتی که نفوذ زیادی در امور منطقه‌ای دارد (پیامدها و اقدامات)،
 - اعمال این نفوذ به وسیله ساختارهای حکمرانی منطقه‌ای انجام می‌پذیرد،
 - در دستور کارهای امنیتی منطقه، تأثیرگذار است،
 - برای دول منطقه‌ای به‌ویژه قدرت‌های منطقه‌ای، قابل احترام است.
- هژمون منطقه‌ای نه تنها از منافع خود، بلکه تا حدودی از منافع منطقه‌ای نمایندگی می‌کند (Nolte, 2001: 15).

با توجه به مؤلفه‌های فوق می‌توان گفت دستور کار سیاستی ترکیه در سالیان اخیر در راستای تفوق هژمونیک در منطقه می‌باشد که البته این تفوق نیاز به ابزاری دارد که علاوه بر تعمیق منافع ترک‌ها، زاویه‌ای اساسی با سایر میدان‌ها (ایران، عراق و سوریه) و خرده میدان‌های منطقه (کردهای عراق، PKK, PYD) نیز داشته باشد.

می‌توان سه میدان هژمونیک در مزوپوتامیا را که برای تفوق بر منطقه، منازعات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دارند را در شکل ذیل ترسیم نمود. (متقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۴۹). این سه میدان، مدلی از سه قطبی هویت‌ساز را در منطقه ترسیم نموده‌اند که نه تنها منطقه مزوپوتامیا، بلکه، کلیت خاورمیانه تحت تأثیر آن قرار دارد. کنشگری، تعامل و تقابل ترکیه با سایر قطب‌ها در این راستا قابل تحلیل است.



شکل ۱: میدان‌های هژمونیک مزوپوتامیا

روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران، عربستان و ترکیه به دنبال تحولات بهار عربی و بحران در منطقه مزوپوتامیا رو به وخامت گذارده است. آنچه برای جمهوری اسلامی اهمیت دارد دفاع از هویت اسلامی و حمایت از جریان مقاومت است، اما جریان‌های وابسته به نظام قدرت بین‌المللی که از قدرت و اقتدار جریان مقاومت هراس دارند تلاش دارند برای پیشبرد اهداف خود اصل مقاومت را از طریق حمایت از جریان‌های تروریستی مورد مخاطره و تهاجم قرار دهند تا راحت‌تر به اهداف خود دسترسی پیدا کنند. این کشورها و جریان‌های مورد حمایت آنها چون جریان مقاومت را مزاحم جدی و مانع اساسی برای اهداف و مقاصد خود که اساساً با اهداف آمریکا و رژیم صهیونیستی یگانگی دارد، منطبق نمی‌بینند با حمایت از جریان‌های تروریستی تلاش دارند هژمونی خود را به منطقه تحمیل نمایند. رقبلیت‌گرایی این جریان‌ها با جریان مقاومت و جمهوری اسلامی از آن یک رفتار کور، بی‌بنیاد و انفعالی و صرفاً برای توجیه شکست‌های خود و عدم همراهی ملل منطقه و مسلمانان این کشورهاست.

گرچه با توجه به اینکه جوامع خاورمیانه‌ای هیچگاه در طول تاریخ، جوامعی هژمون نبوده و متشکل از مذاهب و اقوام مختلف می‌باشد، اصرار بر ناسیونالیسم قومی و دینی، ذیل هژمونی میدان‌های مسلط و تحت لوای دولت - ملت‌های کلاسیک امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۳- جریان‌های سلفیستی و داعش

داعش با نگاهی ساختارشکن از مدل کلاسیک گروه‌های سلفی، کلیت قلمرو سنی خاورمیانه را به عنوان منطقه هدف خود قرار داده است. از سویی، تحولات منطقه خاورمیانه بدون درک ملاحظات ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی آن میسر نخواهد بود و این تغییرات ریشه در ظهور داعش دارد. گروه تروریستی داعش تفاوت لندکی از حیث لیدئولوژیکی با سایر گروه‌های رادیکال و تروریستی به اصطلاح جهادی دارد اما از حیث جغرافیایی، با سایرین تفاوت عمده‌ای دارد به این نحو درحالی‌که گروه‌هایی نظیر القاعده، آرزومند سلطه سرزمینی مؤثر هستند؛ داعش توانسته خودش را به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک تعریف کند که تقریباً نواحی

مشخصی از دو کشور عراق و سوریه را در کنترل خود دارد و این مسئله در کنار برخورداری از قدرت جذب نیروهای متفرق چریکی و بهره مندی از تشکیلات و ساختار تروریستی در منطقه می‌باشد (عبداله‌پور و دیانت، ۱۳۹۵: ۹۳). اگر چه بقای این گروه و توسعه متصرفات ارضی آن به دلایلی چون حملات هوایی ائتلاف، مشکلات پیش‌رو در کردستان عراق و توان ضدحمله و مقابله مؤثر ارتش عراق کاملاً نامشخص است.

علیرغم موجودیت جدید داعش، طبیعت سرزمینی آن سبب شده است تا نتوان آن را نادیده گرفت و در نتیجه، دولت‌ها مجبور به بازبانی سیاست‌ها و روابطشان با یکدیگر شده‌اند. در این وضعیت، عراق و سوریه تنها طرف‌هایی نیستند که مجبور به برخورد و مقابله با داعش هستند؛ سایر قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران نیز نیازمند ارزیابی مواضع خود در این زمینه هستند چرا که داعش به عنوان یک سازمان تروریستی می‌تواند موجبات اغتشاش و آشوب منطقه‌ای را فراهم سازد و بقای خود را در این فضا بهتر تأمین کند. در نتیجه بقای ژئوپلیتیکی داعش در بردارنده چالش‌های ژئوپلیتیکی برای سایرین به‌ویژه کشورهای مؤثر منطقه‌ای مثل ایران و برخی از کشورهای مستقل خواهد بود. این در حالی است که عربستان - که خود حامی اصلی جریان‌های تروریستی است - گرچه در حال حاضر از حمایت‌های آنها برخوردار و از کارکردهای آنها بهره‌مند است، اما در درازمدت مصون از تعارض‌ها و کارکردهای آن نخواهد بود، چراکه عربستان از وضعیتی برخوردار است که جریان‌های تروریستی تمایل دارند جای پای محکم‌تری در شبه جزیره داشته باشند.

داعش در کشورهای عراق و سوریه خود را نماینده جمعیت تسنن معرفی کرده است در حالی که در واقعیت، این گروه خود را به‌ویژه بر سنی‌های عراق تحمیل کرده و مخالفت‌ها در برابر آن به‌ویژه در میان سنی‌ها وجود دارد. همچنین این گروه ضمن اعمال فشار علیه کردستان و نواحی شیعه‌نشین در صدد ایجاد پیوندهای ژئوپلیتیک با نیروهایش در سوریه است تا از این طریق پویش داخلی عراق را متأثر نماید. پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی حضور داعش در منطقه ضمن ایجاد تهدیداتی نسبت به دو دولت بغداد و دمشق و نیز نسبت به سایر رقبای تروریستی با تضعیف آنها توانسته است به شفافیت مواضع میان مخالفان و دولت‌ها کمک کند.

اندیشکده استارت‌فور در گزارشی که با قلم جورج فریدمن نگاشته شده بر این اعتقاد است که داعش ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داده است. در این راستا داعش توانسته است خود را به صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه در کنار مرزهای ترکیه تثبیت بنماید. ظهور این پدیده، چالش‌های ژئوپلیتیکی را در منطقه مزوپوتامیا به وجود آورده که اهم آن به شرح ذیل می‌باشد:

توازن ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای را دچار چالش نموده است، جغرافیای جمعیتی مزوپوتامیا را بهم ریخته است، باعث تشکیل دیاسپوراهایی گشته که در آینده نزدیک بر ساختارهای فکری و مرز بندی عقیدتی منطقه تأثیرگذار است، دوقطبی شیعه - سنی را در خاور میانه تقویت نموده است، علاوه بر کارگزاری ژئوپلیتیک خود، موجد کارگزاری کردهای سوریه گشته است، ظهور داعش باعث صف‌گیری‌های ژئوپلیتیک جدیدی در ساختارهای ژئوپلیتیک مستقر در منطقه شده است،

پدیده داعش باعث ظهور تعارضات هویتی در منطقه شده است، ظهور داعش، مقدورات و محدودراتی را برای بازیگران ژئوپلیتیک منطقه فراهم آورده است (عبداله‌پور و دیانت، ۱۳۹۵: ۹۳)،

بنابراین داعش به عنوان یک ابزار تغییر ژئوپلیتیک نه تنها در راستای اهداف میدان‌های منطقه‌ای، بلکه یک عامل مهم بی‌نظمی در خاورمیانه برای میدان‌های فرامنطقه‌ای نیز محسوب می‌گردد. «ناظم زینال اف» رییس مؤسسه نور جمهوری داغستان روسیه در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا عنوان نموده است که امریکا از گروه تروریستی داعش برای نیل به اهداف ژئوپلیتیک خود استفاده می‌کند. (عبداله‌پور، دیانت، ۱۳۹۵: ۹۴)

۴- مطامع ترکیه از ژئوپلیتیک پخش داعش

در ارتباط با شیوع تفکر سلفیستی و بسط ژئوپلیتیک و قلمرویی گروهک تروریستی داعش باید به «نظریه پخش» اشاره کرد. به انتشار و گسترش یک پدیده و یک نوآوری در سراسر فضای جغرافیایی و در طول زمان، پخش و تراوش گفته می‌شود. در جغرافیای انسانی، تئوری پخش، ابتدا در سال ۱۹۵۳ به وسیله تورستن‌هاگراسترند، جغرافی دان سوئدی در دانشگاه لاند منتشر گردید. (شکویی، ۱۳۸۲). نظریه پخش در فضای جغرافیایی عبارت است از گسترش یک پدیده از یک کانون یا کانونهای محدود در میان مردمی که آماده پذیرش آن پدیده می‌باشند. این گسترش در طول زمان صورت می‌گیرد، از این تعبیر چنین بر می‌آید که روند نظریه پخش در یک فضای جغرافیایی از شرایط زیر تبعیت می‌کند:

۱. پدیده یا پدیده‌ها و مشخصات عمده آنها

۲. کیفیت گسترش پدیده‌ها

۳. کانون یا کانون‌های پدیده‌ها

۴. جمعیتی آماده پذیرش با زمینه‌های متفاوت پذیرش، مقاومت‌های مختلف جمعیت در برابر نوآوری‌ها و یا اشتیاق و هواخواهی آنها از نوآوری‌ها و پدیده‌ها
۵. فاصله، سهم فاصله در روند توزیع اطلاعات و گسترش پدیده‌ها، موانع اخذ اطلاعات در مکان‌های مختلف، نقش رسانه‌ها و نقش دولت‌ها.
۶. سهم زمان در مقاومت یا پذیرش پدیده‌ها و نوآوری‌ها میان جمعیت
۷. انتخاب و تصمیم‌گیری (ریچارد موریل)

بنابراین و با توجه به عوامل فوق، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاورمیانه و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تسلط بر منطقه باعث شکل‌گیری بسط جغرافیایی داعش و تداوم گسترش آن در طول فضا، زمان و مکان در منطقه شده است. به راحتی قابل رصد است که جغرافیای پخش داعش از منظر ژئوپلیتیکی، کردها و شیعیان را مورد هدف قرار داده که به صورت سنتی کدهای نامنی منطقه‌ای ترکیه می‌باشند، یعنی ترکیه با بازی دوگانه خود با ابزار داعش، دو ساختار - کارگزار "دیگری و غیریت‌ساز" خود را زمین‌گیر نموده است.

۵- ابعاد کارکردی سیاست‌های ترکیه در حمایت از داعش

همانطور که ذکر شد کردها دشمنان راهبردی ترکیه می‌باشند که موجودیت هستی‌شناختی و سرزمینی ترکیه را به صورت تاریخی مورد حمله قرار داده‌اند، بنابراین هر گونه سیاست امنیتی ترکیه در حمایت از گروه‌های بنیادگرا، سلفیستی در این راستا قابل تحلیل می‌باشد. این قضیه وقتی صادق است که می‌بینیم در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، ترکیه با حمایت از فرقه نقشبندی به مبارزه با حزب کارگران کردستان ترکیه پرداخت.

مقامات ترکیه بارها اعلام داشته‌اند که PKK معادل YPG بوده^۱ است. در این راستا، ترکیه، سه انتظار از PYD دارد:

همکاری نکردن با رژیم اسد

عدم تشکیل یک دولت دوفاکتو در شکل مذهبی و یا قومی

تعهد کردهای سوریه برای امنیت مرزهای ترکیه.

بنابراین به علت عدم تحقق مطالبات فوق، حمایت جامعه بین‌المللی از PYD، ترکیه نه از طریق نیروی نظامی، بلکه از طریق یک سیاست خصومت‌آمیز و آنتاگونیستی به مقابله با کردهای سوریه رفت (Tas, 2015)

^۱. Erdogan, Hurriyet, 19 October 2014

بنابراین و از این منظر می‌توان گفت، ترکیه، کردهای سوریه را تهدیدی بیشتر از داعش برای امنیت ملی خود می‌داند (gunter,2015:106). از سویی متأثر از تحولات کشورهای عربی، شورش داخلی در سوریه و نضج گروه‌های تروریستی، دکترین داوود اوغلو در بعد ژئوپلیتیک، حوزه‌های کم‌تأثیر در سیاست خارجی خود را که شامل اتحادیه اروپا، روسیه و دول خاورمیانه‌ای می‌شدند را در اولویت کاری خود جهت کنشگری، قرار داد. کاگان و همکاران در گزارش خود با عنوان استراتژی‌های کلان آمریکا و مقابله با داعش و القاعده که در سال ۲۰۱۶ به رشته تحریر در آمده، روش‌ها، اهداف خرد و کلان ترکیه در منطقه خاورمیانه را ترسیم می‌نمایند.

۱-۵ اهداف کلان ترکیه

بازآفرینی نقش ترکیه به عنوان یک قدرت مستقل منطقه‌ای در برابر آمریکا و ناتو
بازتأسیس یک قلمرو شبه امپریال تأثیرگذار بر حوزه‌های سرزمینی و قلمرویی امپراطوری
عثمانی

ترویج صورت‌بندی حکومت‌های اسلام سنی در خاورمیانه
دستیابی به جایگاه رهبری جهان اسلام
احیاء عظمت امپراطوری سابق ترک‌ها
پیشبرد ترکیه به عنوان یک مدل موفق در رهبری دموکراتیک جوامع اسلامی

۲-۵ اهداف خرد ترکیه

دستیابی به سلطه اقتصادی در خاورمیانه
ترویج و شکل‌گیری صورت‌بندی دول اسلام سنی در لیبی و سوریه
جلوگیری از ایجاد دولت مستقل در کردستان عراق و هرگونه خود مختاری و مفصل‌بندی
هویت کردی در کردستان سوریه

۳-۵ روش‌های ترکیه

حمایت از اخوان المسلمین و جنبش‌های همسو با آن و تلاش برای رسیدن به انسجام
گفتمانی و استراتژیک

ارائه کمک‌های نظامی به گروه‌های شورشی اسلام‌گرا
تقویت روابط اقتصادی با خاورمیانه، آسیای مرکزی و بالکان
ورود به مناقشه اعراب و اسرائیل

امتیاز گرفتن از آمریکا و اروپا در جنگ با سوریه

نبرد با حزب کارگران کردستان به عنوان یک ابر دشمن

تقویت حزب دموکرات کردستان عراق در نبرد با حزب کارگران کردستان Kagan et

(al., 2016: 31)

پیامدهای ژئوپلیتیکی ترکیه (Bagci and Doganlar, 2009: 114)

کشورهایی که از منظر ژئوپلیتیکی تأثیرگذاری بیشتری بر ترکیه دارند	کشورهایی که از منظر ژئوپلیتیکی تأثیرگذاری کمتری بر ترکیه دارند
ایالات متحده آمریکا	اتحادیه اروپا
کشورهای جنوب قفقاز	روسیه
منطقه دریای سیاه	دول خاورمیانه‌ای

نتیجه‌گیری

همانطور که در پیشینه تحقیق عنوان شد، امروز شکی نیست که ترکیه اگر نه حامی ولی به عنوان یک مأمور و ملجاء برای تضعیف رقبای منطقه‌ای از این عنصر استفاده می‌نماید. ترجیحات امنیتی ترکیه حذف هرگونه خودمختاری برای کردهای سوریه، تضعیف حزب کارگران کردستان و نقش‌آفرینی مؤثر در کردستان عراق، مناطق ترکمن نشین و عرب‌نشین سنی در کرکوک، موصل و حلب می‌باشد. در این راستا مخرج مشترک ترکیه و داعش را می‌توان تعارض با حوزه‌های مذکور دانست به عبارتی متغیرهای یاد شده، دشمنان راهبردی و داعش دشمن کوتاه دامنه و رو به افول ترکیه است. برای داعش نیز ترانزیت نیرو و دسترسی به بازار انرژی تنها از طریق ترکیه میسر است. بنابراین و علیرغم حملات داعش به مکان‌هایی در ترکیه، ترکیه و داعش منافع مشترکی دارند که آنها را در کنار یکدیگر ولو به صورت موقت قرار داده است. جهت ژئوپلیتیکی ترکیه بخصوص پس از کودتای نافرجام در ترکیه از غرب متوجه خاورمیانه، کشورهای پیرامونی و کارگزاران جدید در تجزیه فضای ژئوپلیتیکی جدید گردیده است. منافع ترکیه در یک آشوب ژئوپلیتیکی در خاورمیانه میسر است که گروه‌های سلفی به عنوان ابزار آشوب به صورت دائم‌التزایدی دخالت سرزمینی ترکیه در کشورهای همسایه را توجیه نموده‌اند. در پایان باید گفت برای اولین بار پس از سایکس پیکو و لوزان، داعش بهترین ابزار توجیه ورود به عراق، سوریه و امیال ژئوپلیتیکی ترکیه و توهم الحاق موصل و حلب به ترکیه می‌باشد که این توهم در سخنان مقامات ترک بسیار دیده می‌شود.

منابع

- خانن، عبدالله (۱۳۸۱)، *نظریه‌های امنیت*، انتشارات ابرار معاصر.
- عبدالله پور، محمدرضا و افشین، متقی (۱۳۹۴)، *دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه با تأکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق*، فصلنامه مطالعات سیاسی.
- شکویی، حسین (۱۳۸۲)، *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*، جلد دوم، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- عبدالله پور، محمدرضا و محسن، دیانت (۱۳۹۵)، *دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه*، انتشارات کلک سیمین، تهران.
- متقی، افشین، محمدرضا، عبدالله پور و محسن، دیانت (۱۳۹۵)، *محسن، میدان‌های منطقه‌ای و هم‌مونی در بین‌النهرین*، فصلنامه سیاست جهانی.
- واعظی، محمود (۱۳۸۳)، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ایران*، وزارت امور خارجه، اداره کل آموزش.

Bagchi, H and A. D, Aslahan (2009), *changing geopolitics and turkey foreign policy*, Middle East Technical University, Ankara, Turkey, VOL. XVI, 2.

Burges, S (1982), *developed the concept of 'consensual hegemony'* in which "the process of dialogue and interaction causes subordinate parties to appropriate and absorb the substance and requisites of the hegemony as their own. See, Sean Burges, "Consensual Hegemony: Theorizing the Practice of Brazilian Foreign Policy International Relations, Vol, 22, No 1.

Curtis, A (2005), *nationalism in diaspora a study of the Kurdish movement*, university Utrecht.

Galip, Dalay (2015), *Regional Kurdish politics in the post ISIS period*, Aljazeera center for studies Geography: the politics of geopolitical discourse. Geopolitics. 11: 349-366.

Dscoto, A (2016), *The Democratic Self-Administration of Rojava*, Foreign Relations Commission, ISIS and Turkey File, 29/08/2016, <http://syria360.wordpress.com>.

Erdoğan says PYD (2014), *no different than PKK' for Turkey*", Hurriyet, 19 October, available at <http://www.hurriyetdailynews.com/president-erdogan-says-pyd-no-different-than-pkk-for-turkey.aspx?pageID=238&nID=73172&NewsCatID=338>.

Kagan, Frederick W, Kimberly, Kagan, Jennifer Cafarella, Harleen, Gambhir, Christopher Kozak, Hugo, Spaulding, and Katherine, Zimmerman (2016), *U.S. Grand Strategy: Destroying ISIS and al Qaeda*, United States of America by the Institute for the Study of War.

Gunter, M. M (2015), *Iraq, Syria and the Kurds: GEOSTARTAGIC CONCERN FOR THE u.s. and Turkey*, Middle East Policy, Vol. XXII, No. 1, Spring.

Gunter, M.M (2015), *Iraq, Syria and the kurds: GEOSTARTAGIC CONCERN FOR THE u.s. and Turkey*, Middle East Policy, Vol. XXII, No. 1, Spring 2015.

Honghua, men (2004)" *critiques of the theory of international regimes*. www.irchina.org

Jongwoo, N (2012), *The Geographical Construction Of National Identity And State Interest By A Weak Nation –State :Dissertation*, Urbana, Illinois.

Keohene, Robert O (1990), *the theory of Hegemonic Stability and changes in international Economics'* regimes Boulder: London: west view press).

King (2008), *the deep question: structure/agent and micro / macro and Time/Space, Historical Development, theoretical approach in sociology*, vol 1.

Kraig, bonfield (2014), *Turkish Kurdish energy cooperation in the Iraq cordorum*, center for strategic and international studies.at www.csis.org.

Mabon.S & Ardvini .L. *Center FPC Briefing: Daesh, Geopolitics and the Resurgence of Pan Arabism?*

Marks. M (2016), *ISIS and Nusra in Turkey, Jihadist recruitment and Ankara response*, Institute for strategic Dialguue.

Nolte, D (2007), *How to Compare Regional Powers: Analytical Concepts and Research*.

Rogers, S (1982), *Gramsci's Political Thought An Introduction (London:Lawrance and Wishart*.

Stein, A (2016), *Islamic state network in Turkey, Recruitment for the Caliphate*, Rfigh Hariri center for Middle East at www.atlanticcouncil.org/programs.

Tas, Latif (2015), *"What Kind of Peace? The Case of the Turkish and Kurdish Peace Process."* 9 July, <https://www.opendemocracy.net/latif-tas/what-kind-of-peace-case-of-turkish-and-kurdish-peace-process>.

Turkes vs. *ISIS and PKK: A Matte of Distinction* (2016), bipartisan public center. at <http://bipartisanpolicy.org/research/>.

Zaman, A (2016), *For Tukey which is the Lesser Evil: ISIS or the Kurds?* Public Policy Fellow, Woodrow Wilson Center; Columnist, Diken.com.tr and Al-Monitor Pulse of the Middle East at: www.wilsoncenter.org/publication.